



علل الشرایع

کلیدواژه: علل الشرایع، شیخ صدوق.

برسش: آیا کتاب علل الشرایع صدوق تماماً مستند و قابل اعتبار است یا خیر؟

پاسخ: با عنایت به **شخصیت** علمی و دینی شیخ صدوق، می‌گوییم: علل الشرایع، اثر نفیسی است - همانند سایر آثار شیخ صدوق - که نوآوری بسیار سرشاری دارد. تمام تلاش نویسنده در این **کتاب** این بوده است که احادیث مستند را ذکر نماید؛ هرچند اندکی از **روایات ضعیف** در آن کتاب دیده می‌شود.

فهرست مندرجات

- ۱ - بررسی شخصیت صدوق
- ۲ - دعای امام یازدهم
- ۳ - تحفه حضرت مهدی
- ۴ - تحصیلات
- ۵ - دیدگاه اعلام دین
- ۵.۱ - علامه مجتهد باقر مجلسی اول
- ۵.۲ - ابن ادریس
- ۵.۳ - نجاشی
- ۵.۴ - عبدالله مامقانی
- ۶ - اعتبار علل الشرایع
- ۷ - ویژگی‌های کتاب
- ۸ - منابع
- ۹ - پانویس
- ۱۰ - منبع

بررسی شخصیت صدوق

درباره سؤال فوق باید گفت: **شخصیت** علمی و دینی نویسنده، یکی از مهم‌ترین معیارهای اعتبارسنجی کتاب‌های حدیثی می‌باشد؛ از این رو سزاوار است که در آغاز به بررسی شخصیت صدوق بپردازیم تا بتوان درباره کتاب علل الشرایع سخنی گفت.

دعای امام یازدهم

امام حسن عسکری (علیه‌السلام) به پدرش **علی بن بابویه** نامه‌ای نوشت و در آن بعد از حمد و ثنای الهی فرمود: «أما بعد اوصیک یا شیخی و معتمدی و فقیهی - ابا الحسن علی بن الحسینی القمی - وفقک الله لمرضاته جعلک من صلیک اولاداً صالحین برحمته، بتقوی الله و اقامة الصلاة و اتیاء الزکاة، فآته لا تقبل الصلاة من مانعی الزکاة...» [۱] به نام **خداوند** بخشاینده مهربان!... اینک ای **دانشمند** دین‌شناس و آگاه و مورد **اعتماد** ما! ای ابوالحسن علی بن حسین قمی که خدای تعالی در جلب خشنودی‌اش موفقیت بدارد و به لطف و کرم خود از نسل تو فرزندی درست‌کار پدید آرد، تو را به **برهیزکاری** و **نماز گذاردن** و پرداخت **زکات** سفارش می‌کنم، چه نماز از کسی که زکات نپردازد، هرگز پذیرفته نشود...»
در این نامه می‌بینیم **امام عسکری (علیه‌السلام)**، از او (پدرش) با اوصافی چون شیخ و معتمد و فقیه نام می‌برد و در **حق** او **دعا** می‌کند که در کسب **رضایت** **پروردگار** توفیق می‌یابد و از نسل وی فرزندی شایسته پدید آیند.

تحفه حضرت مهدی

چند سال از **ازدواج علی بن بابویه** و دخترعمویش می‌گذشت و سال‌های عمرش به پنجاه رسیده بود؛ ولی هنوز فرزند نداشت، همیشه آرزو می‌کرد که خداوند، فرزندی به او عنایت کند تا **جهان اسلام** و **تشیع** به وجودش سرفراز شود. فقیه قم، در اولین سال نیابت **حسین بن روح** (۲۰۵ هـ.ق) عازم بغداد شد و به حضور نایب سوم شرف‌یاب گشت. او با تقدیم نامه‌ای، از نایب حضرت مهدی (عجل‌الله‌فرجه‌الشریف) خواست تا **حاجت** وی را با **حضرت حجت (عجل‌الله‌فرجه‌الشریف)** در میان گذارد و از آن حضرت بخواهد برای رفع مشکل وی **دعا** کند و چاره‌ای بیندیشد. وقتی خواسته علی بن بابویه به **ساحت مقدس ولی عصر (عجل‌الله‌فرجه‌الشریف)** عرضه شد، بی‌درنگ چنین جواب آمد: «از این **زن**، صاحب فرزندی نخواهی شد؛ ولی در آینده نزدیکی با بیوه‌ای دیلمی **ازدواج** می‌کنی، دو پسر **فقیه** و **دانشمند** خواهی یافت. [۲] و در روایتی دیگر چنین آمده است: حضرت در حق وی دعا کرد و فرمود: در آینده نزدیک خداوند به او فرزند مبارک عطا می‌کند که او و فرزندان سرچشمه همیشه جوشان خیر و برکت خواهند شد.» [۳]

اندکی بعد دعای حضرت به **اجابت** رسید و سرانجام در سال ۲۰۶ هجری انتظار این بابویه پایان پذیرفت و تولد فرزندی مبارک، خانه دلش را روشن ساخت، پدرش او را **مجد** نامید.

مجد دوران نوزادی را در دامان پاک مادرش، پشت سر گذاشت. او در خانه علم و اندیشه **رشد** کرد و ساختار روحی و نهاد جسمانی‌اش با **فقه** و **حدیث** درآمیخت. رفتار و کردار پدر پارسا و مادر با **ایمان** در شکل‌گیری **شخصیت** وی مؤثر افتاد و او را نوجوانی پاک نهاد، **دانش** دوست و حقیقت‌جو ساخت. [۴]

تحصیلات

آن ایام حدود هزار و دویست فقیه و محدث در قم به سر می‌بردند و **علی بن بابویه** (پدر مجد) استاد و سرور آنها به شمار می‌آمد. در محفل پرفیض او، مباحث فقهی و علمی حل و فصل می‌شد و **دانشمندان** به نظرهای فقهی وی به دیده احترام می‌نگریستند، این موقعیت ممتاز به طور شگفت‌انگیزی، زمینه **رشد** تحصیلی مجد را فراهم آورد.

او در **کودکی**، فراگیری دانش دینی را نخست در محضر پدر آغاز کرد، با تلاشی پیگیر، در این مسیر گام برداشت، هر چند او اغلب علوم و فنون را از پدر می‌آموخت، ولی هرگز در درک محضر سایر بزرگان کوتاهی نمی‌کرد و مشتاقانه در **مجالس** درس آنان حاضر می‌شد. مجد با اشتیاق **دانش** می‌آموخت و در دریافت و حفظ **حدیث ائمه**، ذوق و استعداد سرشاری از خود نشان می‌داد؛ به گونه‌ای که همه را به شگفتی وامی‌داشت. **فقها** و **محدثان** بزرگ شهر قم، در جلسات و مناظرات علمی، نبوغ سرشار و ابتکارات اعجاز‌برانگیز این محصل جوان را در نقل و حفظ احادیث ائمه (علیهم‌السلام) می‌دیدند و می‌ستودند. آنها گاه تلویحاً و گاه با صراحت به خارق‌العاده بودن وی اعتراف کرده و می‌گفتند: بی‌تردید کسی که به عنایت و دعای حضرت قائم (عجل‌الله‌فرجه‌الشریف) تولد یافته باشد، سرنوشتی جز این ندارد.

مجد تا بیست و سه سالگی در کنار پدر فقیه خود به تحصیل ادامه داد. به همه جزئیات و ظرفیت‌های **علم حدیث** آشنا شد و به عنوان یک استاد و کارشناس ماهر و **مجتهد** متبحر در این رشته شهرت یافت.^[۵]

دیدگاه اعلام دین

اکنون نظر بعضی اعلام دین را درباره صدوق بیان می‌کنیم:

← علامه مجدباقر مجلسی اول

از موارد بسیار استفاده می‌شود که که **ابن بابویه** حدیث غیر صحیح را در هیچ کتابی از کتاب‌های خود نقل نکرده است؛ چنان‌که در کتاب **عیون اخبار الرضا** حدیثی نقل می‌کند در جمع بین اخبار، بعد از آن گوید: در سند این حدیث مجد بن عبدالله مسمعی هست و شیخ ما مجد بن الحسن بن الولید به او بی‌اعتقاد بود و من در این کتاب از این جهت این **حدیث** را نقل کردم که آن را در کتاب **الرحمه**، سعد بن عبدالله، بر شیخ خواندم، شیخ تقریر نمودند، به واسطه آن‌که آن کتاب به سندهای دیگر به شیخ رسیده بود؛ بنابراین من آن را نقل نمودم، اگر نه، هر چه شیخ ما به آن اعتقاد ندارد، من آن را ذکر نمی‌کنم. در جای دیگر گوید: «ابن الولید تقه و عظیم‌الشأن بود به مرتبه‌ای که صدوق با نهایت فضیلت دست از **تقلید** او برداشته است».^[۶]

← ابن ادریس

ابن ادریس در **سراثر** می‌گوید: «وی مورد اعتماد و جلیل‌القدر بود، به اخبار اهل بیت آگاهی کامل داشت و درستی و نادرستی آثار را می‌دانست و به صدق و کذب شخصیت‌های رجالی عالم بود».^[۷]

← نجاشی

نجاشی در کتاب رجالش می‌گوید: «شیخ ساکن ری، بزرگ و فقه ما به شمار می‌آید. او شخصیت برجسته **شیعه** در خطه **خراسان** است. وقتی در سال ۲۵۵ هـ.ق به **بغداد** آمد، با این‌که سن کم‌تری (کم سن و سال = جوان) داشت، بزرگان **طایفه** از او حدیث **استماع** می‌کردند».^[۸]

← عبدالله مامقانی

شیخ عبدالله مامقانی، رجال‌شناس مشهور (۱۲۵۱ ق)

تردید در وثاقت، **عدالت** و منزلت **شیخ صدوق**، مانند شک در نورافشانی **خورشید** است.^[۹] شیخ صدوق، محدث، استاد الفقها، جامع تمام علوم که قبل از تولد مشمول دعای امام یازدهم **امام حسن عسکری (علیه‌السلام)** می‌گردد و با دعای **امام زمان (عجل‌الله‌فرجه‌الشریف)** پا در عرصه حیات می‌گذارد و در نزد استاد الاساتید یعنی پدرش تحصیل علوم **اهل بیت** و اعلام دین پس از مطالعه و بررسی حدود سیصد تا از کتبش به عدالت، **وثاقت** وی شهادت می‌دهند و چند قرن بعد از مرگش در زمان فتح‌علی شاه قاجار جسدش را تر و تازه می‌یابند، احادیثی را ذکر می‌کند از حیث متن و سند صحیح و قابل عمل می‌باشند.

اعتبار علل الشرایع

با عنایت به **شخصیت** علمی و دینی شیخ صدوق، می‌گوییم: علل الشرایع، اثر نفیسی است - همانند سایر آثار شیخ صدوق - که از نوآوری سرشاری برخوردار می‌باشد.

ویژگی‌های کتاب

علل الشرایع دو بخش دارد، که در یک مجلد تدوین شده است. شیخ این کتاب را به حدود ۶۵۰ باب تقسیم کرده است و در هر باب، فلسفه احکام و دلایل یک موضوع فقهی یا یکی از معارف مهم اسلامی را از **زبان مبارک ائمه اطهار (علیهم‌السلام)** مورد بررسی قرار داده است؛ برای مثال، درباره علت وجود **امامت** و **رهبری**، ۲۲۱ **حدیث** از **امامان (علیهم‌السلام)** نقل کرده است.

تمام تلاش نویسنده این بوده است که **احادیث** مستند را ذکر نماید؛ هرچند اندکی از **روایات ضعیف** در آن کتاب دیده می‌شود. بررسی تمام مستندات علل الشرایع نیازمند کاوشی است به اندازه نوشتن یک جلد کتاب و ما در این نوشتار به همین مقدار بسنده می‌کنیم.

منابع

۱. حدیث صداقت، تالیف عبدالرحیم اباذری، ناشر: قم، دارالحدیث، ۱۳۷۹.
۲. شیخ صدوق پاسدار حریم ولایت، عبدالعلی مجدک شاهرودی، کیمیا، ۱۳۸۰.
۳. فقیه ری، سیدحسین موسوی خراسانی، ترجمه و تعلیق دکتر علیرضا میرزا مجد، موسسه اطلاعات، ۱۳۷۷.
۴. علل الشرایع، شیخ صدوق، ناشر مؤسسه دارالحججه الثقافه، چاپ‌خانه مهر، رمضان ۱۴۱۶ هـ.ق.

پانویس

- ↑ شیخ صدوق، مجد بن علی، عیون أخبار الرضا (علیه‌السلام)، ج۲، ص۵، مؤسسه دارالحججه للثقافه، چاپ‌خانه مهر، ۱۴۱۶ هـ.ق.
- ↑ مجلسی، مجدباقر، بحارالانوار، ج۵۱، ص۲۲۴، بیروت، مؤسسه تاریخ العربی، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۵ ق.
- ↑ مجلسی، مجدباقر، بحارالانوار، ج۵۱، ص۲۲۵، بیروت، مؤسسه تاریخ العربی، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۵ ق.
- ↑ اباذری، عبدالرحیم، حدیث صداقت، ص۲۱، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۹.
- ↑ اباذری، عبدالرحیم، حدیث صداقت، ص۲۴، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۹.
- ↑ مجدک شاهرودی، عبدالعلی، شیخ صدوق پاسدار حریم ولایت، ص۷۵، کیمیا، ۱۳۸۰.
- ↑ شیخ صدوق، مجد بن علی، عیون أخبار الرضا (علیه‌السلام)، ج۲، ص۷، مؤسسه دارالحججه للثقافه، چاپ‌خانه مهر، ۱۴۱۶ هـ.ق.
- ↑ شیخ صدوق، مجد بن علی، عیون أخبار الرضا (علیه‌السلام)، ج۲، ص۷، مؤسسه دارالحججه للثقافه، چاپ‌خانه مهر، ۱۴۱۶ هـ.ق.
- ↑ اباذری، عبدالرحیم، حدیث صداقت، ص۱۹۳، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۹.

منبع

